



ناهمگرایی اخلاق توسعه محور با پیشرفت اسلامی

تضاد اصول اخلاق توسعه با اصول اخلاق پیشرفت ایرانی - اسلامی

محمدحسن فرج‌نژاد

مقدمه

می‌تواند موجب ارزش‌ها باشد یا این‌که اساساً جوامع نیازی به ارزش‌های بنیادین ندارند. وی، راه‌حل را در پیوند دوباره با اندیشه‌های قدیمی‌تر در باب جامعه و روابط آن با طبیعت، اعم از طبیعت بیرون یا طبیعت درون آدمی می‌داند؛ او می‌گوید: عقل می‌تواند این اندیشه‌های اخلاقی را در خود بگنجانند. به نظر وی بی‌طرفی ارزشی، توهّم و سرابی خطرناک است که باید از آن پرهیز کرد.^۱

در این نوشتار تلاش شده است با معرفی الگوهای توسعه و الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ویژگی‌ها و مبانی هر کدام، واکاوی و سپس ارزش‌ها و اصول اخلاقی هر کدام و تأثیراتشان در فرهنگ جامعه بررسی شود.

باید بیان نمود که منظور از اخلاق در این نوشتار، هم صفات اخلاقی است، هم کردار اخلاقی. طبق یکی از مشهورترین تعاریف، اخلاق عبارت است از مجموعه صفات نفسانی که باعث می‌شوند افعالی متناسب با آن، بدون نیاز به تأمل از انسان سر بزنند.^۲ البته بی‌پردن به صفات نفسانی افراد دشوار است، اما تکرار برخی رفتارها می‌تواند انسان را به سوی صفات نفسانی راسخ افراد یا مجموعه‌ای هم‌فکر رهنمون نماید. همچنین باید اشاره کرد که گزاره‌های اخلاقی، بر اساس ارزش‌های مورد قبول افراد ناشی از جهان‌بینی خاص آن‌ها یا سیستم تشخیص «امر مطلوب» از نظر ایشان - متغیرند.^۳ یعنی هر فردی یا گروهی بر اساس ملاک‌های ارزش‌گذارانه خود، اموری را اخلاقی یا غیر اخلاقی می‌داند. از این رو در این نوشتار سعی شده، به صورت توأم ارزش‌ها و رفتارهای ناشی از توسعه غربی و نیز ارزش‌های ناشی از الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی (که توسط رهبری ارائه شده است)، را بیان کنیم تا راحت‌تر تأثیرات اخلاقی و فرهنگی منفی برآمده از «الگوی توسعه» غرب‌زده را دریابیم.

غرب معاصر بر مبانی مدرنیته بنا شده است. از جمله فعالیت‌های جوامع مدرن، تلاش برای گسترش فرهنگ لیبرالیسم و سکولاریسم در همه جهان و همسان‌سازی دیگر جوامع با خود است؛ این تلاش در قرن اخیر، با عنوان «توسعه» در نظریه‌های غربی خودنمایی کرده است. هر چند شاید مدرنیته توانسته به دلیل برخی فنون اقتصادی و رسانه‌ای و شیوه‌های خاص مدیریتی، چند صباحی برخی کشورها را با خود همراه کند؛ اما چون درگیر مشکلات اجتماعی و فرهنگی درونی فراوانی است، نمی‌تواند این نقش را برای همیشه برعهده گیرد. از دوران روشنگری به این سو، چنین رویکردی در میان گروه‌های نخبه در جوامع غربی رایج بوده است اما نتیجه‌ای جز هیچ‌انگاری، فاشیسم، سکولاریسم، اومانیزم، لیبرالیسم و افسردگی مردم کشورهای خود و دیگر کشورها نداشته است. واقعیت آن است که غرب مدرن پس از شکست‌های پی‌درپی در عرصه تعیین سیاست‌های بی‌عیب و نقص توسعه‌گرایانه، باز هم سعی دارد با نسخه‌های کانتی جهان بدون معنویت و متافیزیک، برتری خود را حفظ کند؛ لذا روزگاری به علم چنگ می‌زند و روزی دیگر به طبیعت، گاهی به تبیین پدیده‌ها روی می‌آورد و روزی دیگر به تفسیر انسان گرایانه، اما دریغ از آن که در باید نسخه‌جایی زندگی انسان از وحی و الهام الهی، از اساس ناکارآمد است و این کژراهه، با اصلاحات جزئی بهبود نمی‌یابد. غرب مدرن بر مبانی و ایدئولوژی‌هایی شکل گرفته است که می‌توان از آنها با عنوان بنیان‌های نظری غرب مدرن یاد نمود،^۴ که بارها توسط خود غربی‌ها نقد شده است، برای مثال «رابرت باکاک» تصریح می‌کند که اشتباه غرب مدرن در این بود که گمان می‌کرد علم و فناوری



بر اساس تفکرات انحصارطلبانه و متعصبانه‌ی توسعه‌محور. کشورهای جهان به دو دسته «توسعه‌یافته» (کشورهای غربی، چون آمریکا) و کشورهای «در حال توسعه» تقسیم‌بندی شدند. به کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای «غربی»، «مدرن»، «شمال» و «صنعتی» و همچنین به کشورهای در حال توسعه، «جهان سومی»، «عقب‌مانده»، «سنتی»، «جنوب»، «کم‌توسعه» و «توسعه‌نیافته» اطلاق شده است. البته پرواضح است که این تقسیم‌بندی‌ها در دل خود، بر مبنای ارزشی مُقسِّمان آن‌ها دلالت دارند. شهید آوینی در کتاب «توسعه و مبانی تمدن غربی»، به همین نکته اشاره می‌کند که هر تقسیم‌بندی، بخصوص در بحث توسعه نشانه نوعی تفکر و ارزش‌گذاری‌های خاصی است.

توسعه

در هیاهوی جهان مدرن، شاه‌کلید غربی‌سازی جهان، «توسعه» است، و سازمان‌های به‌ظاهر بین‌المللی که توسط فاتحان جنگ جهانی دوم برای کنترل و اداره جهان تأسیس شدند، نقش اساسی در ترویج نیمه‌اجباری این قرائت از توسعه داشته‌اند. در این بین، افزون بر فشار دولت‌های غربی همچون آمریکا و نهادهای به‌ظاهر بین‌المللی چون یونسکو، در قبول بی‌چون و چرای قواعد توسعه، برخی داخلی‌ها نیز، به بهانه رشد و پیشرفت، با بیگانگان هم‌نوا شدند. این گروه تنها راه رشد ایران را پیروی از راه و رسم کشورهای غربی توسعه‌یافته می‌دانند.^۴ در برابر این گروه دو دسته دیگر قرار می‌گیرند؛ یکی گروهی از متحجران که اساساً با ادبیات رشد و پیشرفت کشور بیگانه‌اند که صحبت درباره ایشان را به مجال دیگری واگذار می‌کنیم و دیگری گروهی که رشد و پیشرفت را متکی بر فرایندهای بومی اسلامی-ایرانی تعریف می‌کنند. استدلال گروه اخیر دو محور دارد؛ یکی نفی توسعه غربی و دیگری تأکید بر توانایی‌های داخلی.

استدلال اولیه مخالفان توسعه غربی، ضرورت احتیاط در برابر الگوهای برخاسته از غرب است. این تفکر معتقد به پیشرفت متوازن و مبتنی بر قواعد و آرمان‌های اسلامی و میراث تمدن ایرانی-اسلامی است. احتیاط در تعامل با غرب و نسخه‌های غربی، شرط عقل است؛ زیرا غرب «عقل خودبینی» و «اومانیسم» را محور درک هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه خود قرار داده است؛ عقلی بسیار محدود و جزئی‌نگر که بی‌گمان، در محاسبات کلان هستی‌شناسانه، اشتباه‌های فراوانی دارد و در نگاه به عالم و تحلیل وقایع، دچار نقص‌های بنیادین است. پس بر اساس سیره عقلا، در برخورد با غرب باید بسیار محتاطانه عمل کرد. امام خمینی رحمه‌الله در منشور روحانیت درباره همین مساله می‌فرماید: «مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته، صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهان‌خواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آن‌ها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران، وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟»^۵

البته طبیعی است که این احتیاط در مسائل کلان‌تر، اهمیت بیش‌تری

می‌یابد. وقتی از نقشه راه رشد و پیشرفت نظام اسلامی صحبت می‌شود، لازم است دقت شود که در دام ماده‌گرایی، سکولاریسم و اومانیسم گرفتار نشویم. نظامی که هدف از تشکیل آن، عمل به احکام اسلامی و رهنمودهای اهل بیت (علیهم‌السلام)، عدالت و مبارزه با ظلم و استعمار طواغیت و ماده‌گرایان بوده است، نباید با هدایت ناآشنایان و بعضاً معاندان با دین و مذهب و انسانیت، منحرف شود. در ادامه با برشمردن ممیزه‌های توسعه غربی و پیشرفت اسلامی-ایرانی و تأثیر انتخاب هر کدام بر اخلاق عمومی جامعه و منش کلی دولت‌ها، صحت و اهمیت این مطلب را اثبات می‌کنیم.

تعریف توسعه

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، مسأله توسعه (Development) در مراکز علمی و دولت‌های مختلف برای بازسازی کشورهای در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی مطرح شد.^۶ سازمان ملل، دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم را با عنوان دهه‌های توسعه نام‌گذاری کرد، توسعه به‌صورت موج گسترده‌ای در اروپا، آمریکای شمالی و در بین نخبگان کشورهای نیمه‌صنعتی انتشار یافت. در این کشورها در بیش‌تر موارد، «مفهوم توسعه با مفهوم غرب‌گرایی همراه بود».^۷ بر اساس تفکرات انحصارطلبانه و متعصبانه‌ی توسعه‌محور، کشورهای جهان به دو دسته «توسعه‌یافته» (کشورهای غربی، چون آمریکا) و کشورهای «در حال توسعه» تقسیم‌بندی شدند. به کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای «غربی»، «مدرن»، «شمال» و «صنعتی» و همچنین به کشورهای در حال توسعه، «جهان سومی»، «عقب‌مانده»، «سنتی»، «جنوب»، «کم‌توسعه» و «توسعه‌نیافته» اطلاق شده است.^۸ البته پرواضح است که این تقسیم‌بندی‌ها در دل خود، بر مبنای ارزشی مُقسِّمان آن‌ها دلالت دارند، شهید آوینی در کتاب «توسعه و مبانی تمدن غربی»، به همین نکته اشاره می‌کند که هر تقسیم‌بندی، بخصوص در بحث توسعه نشانه نوعی تفکر و ارزش‌گذاری‌های خاصی است.^۹

فراز و نشیب‌ها در تعریف توسعه

تعریف توسعه، فراز و فرودهای فراوانی داشته است که برخی از آن‌ها را ذکر خواهیم کرد:^{۱۰}

توسعه به معنای نوسازی یا همان مدرنیزاسیون: طرفداران این نظریه معتقدند که جوامع سنتی و فرهنگ و ارزش‌های آن‌ها باید تغییر یابند که به نظریه «گذار از جامعه سنتی» معروف است.^{۱۱} این نظریه که به‌واقع معادل همان «غربی‌شدن» است،^{۱۲} پس از جنگ



بر اساس ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مطلوبشان، به ارائه سیاست‌ها و برنامه‌های خاصی پرداخته‌اند؛ برخی تنها بر رشد اقتصادی تکیه دارند، برخی به دنبال گسترش کیفی فعالیت‌های اقتصادی هستند و برخی دیگر، آزادی را به عنوان رکن توسعه مطرح می‌کنند؛^{۲۰} اما آنچه در این نوشته مهم و قابل توجه است، اصول اساسی و ویژگی‌های مشترک مکاتب توسعه‌ای و آثار اخلاقی و فرهنگی آن‌ها، به‌ویژه مکاتب رایج در کشور ایران است.

توسعه در ایران

همزمان با طیف نظریه‌های توسعه با محوریت نوسازی در غرب، در ایران نیز دولت پهلوی، فعالیت‌های گسترده فرهنگی، آموزشی و اقتصادی را به صورت سیستماتیک مبتنی بر مبنای و رویکردی کاملاً غربی رقم زد؛ برنامه‌هایی چون تغییر پوشش و ظاهر مردم در راستای نظریه «غربی شدن»، تعطیلی و محدودیت حوزه‌های علمیه، سنگ‌اندازی در مسیر طب سنتی، تأسیس دانشگاه‌ها با نظام آموزشی غربی، بسط فرهنگ‌ها و ارزش‌های غربی، پمپاژ روحیه خودباختگی در برابر قدرت‌های بزرگ در میان مردم، اعمال محدودیت در برگزاری مراسم معنوی و عزاداری و ... در ایران اجرا شد، اما مردم ایران با هدایت متدینین و به‌ویژه روحانیت اصیل، توانستند ظرفیت‌های واقعی دینی و ملی خود را در پانزده خرداد ۱۳۴۲ و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و هشت سال دفاع مقدس، به نمایش بگذارند.

«تاریخ دوپست ساله اخیر ایران، محل تلاقی دو دسته تلاش‌ها برای نوزایی و تجدید حیات فرهنگی جامعه ایران است: یکی تجدد بومی مبتنی بر امکانات و ظرفیت‌های درون سنت زندگی ایرانی و دیگری، تجدد غربی که محصول تلاش برای کاربست نظام‌های نوپدید سنت تحول‌یافته زندگی اروپایی در ایران است. محور تجدد بومی، دسته‌ای از نخبگان سنتی اعم از علمای دینی یا وزرا و صاحب منصبان کاردان ایرانی‌اند، اما حاملان تجدد غربی، قشر نوپدید نخبگان متجددی بود که سیطره فرهنگ اروپا را پذیرفته بود.»^{۲۱} متأسفانه هنوز هم برخی از به اصطلاح روشنفکران، می‌کوشند تا با ارائه الگوهای کهنه‌شده غربی، ضرورت پیروی از غرب را در کشور تئوریزه کنند.

برای نمونه نظریه «اقتصاد آزاد» که امروزه در اقتصاد ایران پررنگ شده است، یکی از گرایش‌ها و استراتژی‌های توسعه اقتصادی است و توسط عده‌ای که نفوذ ویژه‌ای در سازمان برنامه و بودجه سابق و در تدوین برنامه‌های توسعه کشور داشته و دارند، پیگیری می‌شود؛ همان گروهی که «یوسف اباذری» با عنوان «مکتب نیواران» معرفی کرده است. به اعتقاد وی، ایشان گروهی منسجم از اقتصادخوانده‌های ایرانی معتقد به سیاست‌های اقتصاد آزاد هستند که در دو دهه ابتدایی بعد از انقلاب با حضور در سازمان برنامه و بودجه، مسؤولیت تنظیم برنامه‌های اول تا سوم توسعه کشور را بر عهده داشته و سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی را برای اقتصاد ایران تجویز کرده‌اند؛ سیاست‌هایی که منشأ بسیاری از مسائل، مشکلات و تحولات اجتماعی و سیاسی دوران بعد از انقلاب بوده است. گروهی که با آغاز به کار دولت

جهانی دوم با مبانی نظری افرادی چون دور کهایم و اسپنسر طرح و دنبال شد. هنوز هم اثرات این گونه نظرات نژادپرستانه را در دل نظریات توسعه می‌توان یافت.

توسعه به معنای تمرکز بر توسعه اقتصادی: با وجود آن که «نوسازی» که تنها به جنبه‌های اقتصادی محدود نبوده، مدت‌ها به عنوان نظریه مسلط توسعه مطرح بوده است، برخی نظریه‌پردازان و منتقدان، توسعه را مرادف با توسعه اقتصادی دانستند. توسعه اقتصادی بیش‌تر به معنای افزایش درآمدهای ملی و سرانه اقتصاد به کار می‌رود. الگوهای توسعه متکی به عامل اقتصاد در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ پرتعدادترین و رایج‌ترین الگوهای توسعه در کشورهای مختلف و به‌ویژه کشورهای در حال پیشرفت بودند.^{۲۲} الگوهای اقتصادی نیز گوناگونی فراوانی داشته‌اند،^{۲۳} مثلاً برخی نوسازی را تنها همان توسعه اقتصادی قلمداد کرده و برخی دیگر، نوسازی را بسیار عام‌تر و شامل همه فعالیت‌های سیاسی، آموزشی، دینی و ... دانسته‌اند.

در تعریفی دیگر «توسعه را به مثابه درختی دانسته‌اند که ریشه آن را «فرهنگ» و غذای آن را «آموزش» و «سرمایه» تخصیص یافته به فعالیت‌های توسعه‌ای تشکیل می‌دهد. بر اساس این تعریف؛ تنه و شاخ و برگ درخت، «نظام مناسب اقتصادی» و میوه شیرین آن «برطرف شدن فقر و محرومیت، حفظ استقلال و خودکفایی و تأمین اقتصادی - اجتماعی» مردم است.^{۲۴}

در نهایت می‌توان بیان کرد که اساساً عنوان «توسعه» برای بهبود در وضعیت زندگی انسان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، البته عمدتاً با رویکردها و مبانی غربی به کار می‌رود؛ طبیعتاً در تعاریف گوناگون، حدود و قیود متفاوتی بر این تعریف بار می‌شود. مثلاً اگر فرایند توسعه، بدون تخریب محیط زیست، بدون نوسان جدی، با نگاه به آینده بشریت و توجه به ضرورت نقش فرهنگ در توسعه باشد، آن را «توسعه پایدار» می‌گویند؛ مفهومی که بیشتر در گفتمان‌های اواخر قرن بیستم در باب توسعه خودنمایی کرد.^{۲۵} توسعه‌ای همه‌جانبه که در ظاهر تلاش برای پایان دادن به تعاریف یکسویه و غرب‌گرایانه بوده است؛ اما دقت در تعاریف و فعالیت‌های نهادهای حامی این دیدگاه، مشخص می‌کند که این تعریف نیز مایه‌های اساسی تفکر و تمدن غربی مانند لیبرالیسم، سکولاریسم، نسبی‌گرایی، آزادی اباحه‌گر، سرمایه‌داری و اومانیسم را در خود دارد و تنها پوششی جدید برای اجرای نقشه‌های غربی است.^{۲۶} سند ۲۰۳۰ و بسیاری دیگر از فعالیت‌های سازمان‌های به‌ظاهر بین‌المللی نیز در راستای توسعه پایدار است. لذا رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «سند ۲۰۳۰ باید تبیین شود. این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل است؛ سند توسعه پایدار؛ دست‌هایی پشت سازمان ملل دارند برای همه چیز ملل دنیا، منظومه فکری تنظیم می‌کنند. این غلط و معیوب است؛ این‌ها چه حقی دارند که درباره سنت کشورهای اظهار نظر کنند؛ هم‌ااش هم «باید» است.»^{۲۷}

در صد سال اخیر با حجم گسترده‌ای از الگوهای توسعه، رویه‌رو بوده‌ایم؛ از الگوهای مارکسیستی و نئومارکسیستی و سوسیالیستی گرفته تا الگوی توسعه پایدار که که همگی ریشه در مبانی غرب مدرن دارند و هر کدام



«نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی» با حضور نخبگان علمی و فرهنگی کشور مراجعه می‌کنیم.^{۲۶} ایشان در این دیدار بر این نکته تأکید دارند که یکی از نیازهای اساسی امروزین انقلاب اسلامی و کشور ایران، تعریف نقشه‌ای جامع مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و بر اساس هویت اسلامی-ایرانی با توجه به شرایط و مقتضیات زمانه و کشور، توسط متفکران ایرانی است. رهبر انقلاب با تعریف «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و برشمردن عرصه‌های پیشرفت و محتوای این الگو، آن را تبیین کردند. بنا به بیانات طرح شده، هدف این دیدار، ارائه دقیق الگوی توسعه ایرانی-اسلامی بوده است.

نکته قابل توجه این جلسه، تلاش برای تبیین دقیق حدود و مرزهای الگوی بومی توسعه در برابر الگوهای رایج توسعه بوده است. رهبری با صراحت به دوری از توسعه غربی و سعی نخبگانی بر ارائه و ترویج الگوی بومی و اصلاح گفت‌وگو کشور اشاره می‌کنند. ایشان می‌فرمایند اساساً انتخاب عنوان «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و نام نبرد از واژه «توسعه» نیز هدفمند بوده است: «کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم؛ می‌دانیم

یازدهم، به عرصه سیاست‌گذاری بازگشته و در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روزمره دولت و تنظیم برنامه‌های آن نقش به‌سزایی دارند.^{۲۷} این افراد بیش‌تر به نظریه کلاسیک «آدام‌اسمیت» یا «نئوکلاسیک اتریشی» گرایش دارند که نظام عرضه و تقاضا را از هر سیاست‌گذاری دیگری در عرصه اقتصاد، بهتر می‌داند. اصل اساسی این نظریه بر «اصل سود» بنا شده است و ادعا می‌کند که آدمی به دنبال سود شخصی خود است و بهتر از هر کس دیگری می‌داند در راه اکتساب آن چه کاری باید انجام دهد.^{۲۸} گروهی که «در پیشبرد ایده‌های اقتصادی خود، تربیت دانشجو و جانداختن ایدئولوژی خود به عنوان «علم» تحسین‌برانگیز عمل کرده‌اند... و با استفاده مناسب از رانته‌ها و روابط موجود در شبکه‌ای از نخبگان، هربار از در بیرون شدند از پنجره بازگشته‌اند... و این در حالی است که علوم انسانی در بستر احتضار خفته است؛ نه از پویایی و پایداری دست‌اندرکاران آن خبری هست و نه از اقبال دولتمردان به آن»^{۲۹} همان علوم انسانی که مسائل مهمی همچون توسعه باید در آن مورد بررسی قرار گیرند. شاید علت اجرای برخی نظریه‌های منسوخ غربی^{۳۰} در کشور نیز نفوذ همین جریان‌های غرب‌گرا در بیش‌تر دولت‌های پس از انقلاب بوده باشد؛ نظریه‌هایی که هم کارایی لازم را ندارند و هم ضربه‌های اساسی به اخلاق، فرهنگ و سیاست جوامع وارد می‌کنند.

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

برای تبیین الگوی پیشرفت بومی به بیانات رهبر معظم انقلاب در

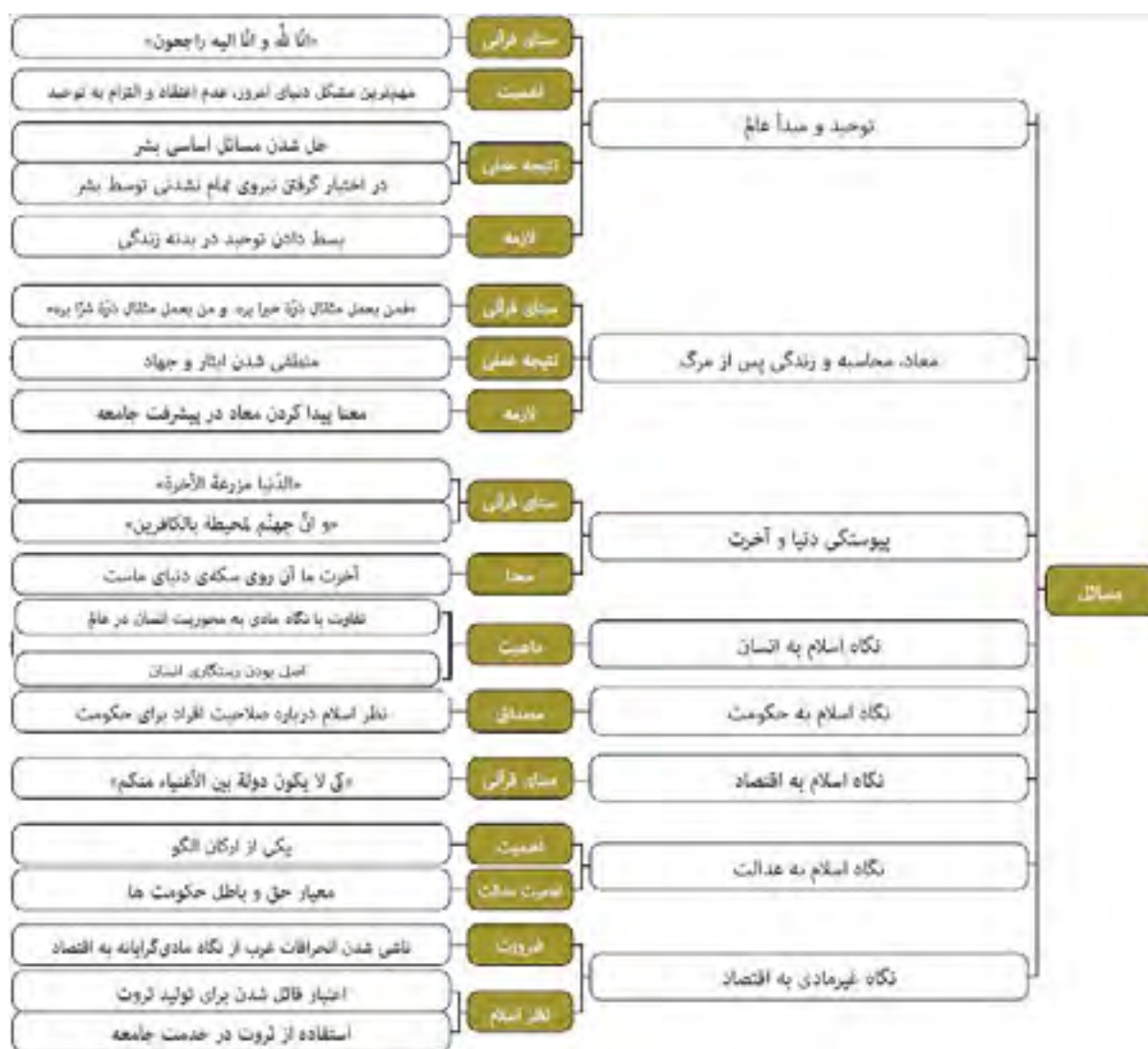


- ایرانی با دیگر الگوهای توسعه محسوب می‌شود. چراکه دیگر الگوها در بهترین حالت، هر سه عرصه اول را البته به طور ناقص مد نظر دارند؛ اما هیچ‌گاه برای «معنویت» چنین جایگاهی قائل نیستند و حداکثر به عنوان یکی از بخش‌های توسعه فرهنگی مد نظر قرار می‌دهند. همچنین، در بخش محتوا و یا به عبارتی جهت‌الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، به تبیین جایگاه توحید، معاد، پیوستگی دنیا و آخرت، نگاه اسلامی به انسان، حکومت، اقتصاد، عدالت و اهمیت دیدگاه غیرمادی به اقتصاد پرداختند. (خلاصه این بخش را در نمودار مشاهده نمایید). بدون شک چنین دیدگاهی، در صورت اجرا دستاوردهای اخلاقی مثبتی در جامعه خواهد داشت که در بخش پایانی ذکر خواهد شد.

مراد از پیشرفت چیست... پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است. ما این وام‌نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه «استکبار» را آوردیم... در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد و همچنین مفاهیم دیگری.^{۳۳}

مقام معظم رهبری در این جلسه کلیات عرصه‌های پیشرفت و محتوای آن را مشخص کردند که می‌تواند به عنوان «مؤلفه‌های پیشرفت اسلامی - ایرانی» مورد توجه قرار گیرد. طبق این فرمایشات، عرصه‌های الگوی بومی، تفکر، علم و همه ساحت‌های زندگی دنیوی و در نهایت معنویت هستند. ایشان معنویت را روح همه عرصه‌های پیشرفت می‌دانند که یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نظریه اسلامی

نمودار محتوای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت





و رسالت انقلاب ما که داعیه نجات انسان و پایه‌گذار فرهنگ برتر است، در این عرصه سنگین‌تر و سیر در این وادی از تمامی وادی‌ها، خطرناک‌تر است.»^{۳۱}

تضاد اصول محوری توسعه‌گرا و لیبرال با اصول اخلاق اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

در این بخش از نوشتار، اخلاق دولتمردان، به عنوان نقل نظام اخلاقی جامعه با محوریت مباحث توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. علت آنکه برای فهم اخلاق ناشی از الگوهای توسعه غربی، به برخی گفتارها و افعال دولتمردان استناد شده است، تأثیر فراوان گفتار و کردار حاکمان بر مردم است. بنا به فرموده امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام): «الناس بآمرائهم أشبه منهم بآبائهم؛ شباهت مردم به رهبرانشان، از تأثیرپذیری آن‌ها از پدران و مادرانشان بیشتر است.»^{۳۲} پس متوجه می‌شویم که تفکرات دولتمردان و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان در شکل‌دهی اخلاق و فرهنگ عمومی جامعه، حتی از تربیت خانوادگی مؤثرتر است. بنابراین در صورتی که سیره خاصی میان زمامداران یک مملکت رایج باشد، باید توقع داشت که مردم آن مملکت نیز به تدریج دچار آن ویژگی‌ها شوند. علت انتخاب دولت یازدهم نیز، نزدیکی تفکرات اعلام‌شده سردمداران و حلقه اول آن با مبانی و نظریات توسعه است؛ زیرا این دولت، برآمده از افراد و احزاب توسعه‌گرا مثل «حزب اعتدال و توسعه» و «کارگزاران سازندگی» است. لذا به صورت خلاصه با تأکید بر برخی افکار و رفتارهای دولت یازدهم، به بررسی چگونگی تأثیر منفی نظریه‌های توسعه‌گرا بر ارزش‌های اخلاقی، فکری و فرهنگی جامعه ایران می‌پردازیم.^{۳۳}

۱. القای تضاد میان اصول متعالی اسلامی با حقوق انسانی، مانند برخی تشکیک‌ها در ضرورت تداوم روحیه انقلابی و بسیجی در جامعه امروزی ایران و تندرو خطاب کردن مردم انقلابی؛

۲. تریجیح پذیرش جهانی و خوش‌آمد قدرتمندان بر رضایت الهی و حفظ منافع ملی، مانند تلاش برای اجرای مخفیانه سند ۲۰۳۰ در راستای تهددات به یونسکو یا انعقاد قرارداد مبهم و یک‌جانبه در مذاکرات هسته‌ای (به صورتی که ایران تمام تعهداتش را انجام داده، اما طرف مقابل به بهانه‌های واهی حق تحریم دوباره ایران را دارد)؛

۳. بی‌اهمیتی وضعیت سخت زندگی مستضعفان در کنار رشد ثروتمندان و عاقبت‌طلبان، که شاهد آن، فشار رکودی و تورمی بر عموم مردم و تولیدگران است؛

۴. تقلید کورکورانه از الگوهای یکسویه و جانبدارانه و ایدئولوژیک غربی، همچون تلاش برای اجرای سریع سند استعماری توسعه پایدار ۲۰۳۰ بدون دقت و توجه در جزئیات و مشکلات آن و امضای قرارداد تغییرات آب و هوایی بدون در نظر گرفتن شرایط خاص کشور؛

۵. بی‌اهمیتی نقش فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی در نظریه‌های توسعه (حداقل تا اواخر قرن بیستم) و تأثیر آن بر توسعه‌گرایان داخلی، مانند در اولویت قرار گرفتن اقتصاد و رهایی عرصه فرهنگ و حتی اجازه به رشد فرهنگ اباحه‌گرای لیبرال؛

۶. غرب‌گرایی در تفکرات و مبانی و برنامه‌های اقتصادی و نظرداشت به سرمایه‌های خارجی در توسعه اقتصادی به جای محوریت «اقتصاد مقاومتی» و تقویت داخلی اقتصاد، مانند عدم تلاش جدی برای تحقق اقدامات عملی در راستای اقتصاد مقاومتی که بارها رهبری درباره آن

تحلیل و بررسی این دو الگو و تأثیرشان بر اخلاق در جامعه

شاید در نگاه اول، الگوهای توسعه تنها راهی خنثی برای پیشرفت و رشد جوامع به نظر بیایند؛ اما به رغم برخی جزئیات ظاهراً مناسب این الگوها - مثل پیشرفت اقتصادی، فقرزدایی، رشد درآمد سالانه کشور، توجه به محیط زیست و همچنین ظاهر محرومیت‌زدای توسعه - باید توجه داشت که این مفهوم را نیز باید همچون دیگر پدیده‌های تمدنی، به صورت یک سیستم فکری - فرهنگی با اثرات عمیق اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی در نظر گرفت. توسعه پدیده‌ای جزئی نیست، بلکه طبق اکثر تعاریف موجود، توسعه یک پدیده هماهنگ و سیستمی است.^{۳۴} پس نباید الگوهای توسعه را به صورت جزئی تحلیل و بررسی نماییم بلکه باید تمام وجوه و اثرات یک الگوی خاص توسعه را در نظر داشت و سپس به انتخاب یک الگو دست زد. لذا هرچند توسعه غربی «اهداف قابل‌پذیرشی مانند رفع محرومیت از سطح جامعه و فقرزدایی را نیز همراه خود دارد؛ اما در مبنا دچار مشکلات جدی است که در نهایت به ایجاد انحرافات اقتصادی، اخلاقی و عدم توسعه ارزش‌های انسانی در یک جامعه منجر می‌شود. به عنوان مثال در نظام توسعه‌محور غربی، برای دستیابی به شاخص‌های بالای کمی و کیفی توسعه، مانند رفع محرومیت، می‌توان به استعمار سایر جوامع پرداخت و جنگ‌هایی را به راه انداخت تا در خلال آن، اقتصاد یک کشور رو به پیشرفت نهد و در نهایت محرومیت از جامعه رخت بر بندد.»^{۳۵} بنابراین باید دقت داشت چه تعریفی از توسعه و پیشرفت را می‌پذیریم و بدانیم در صورت اجرایی شدن، چه تأثیری بر اخلاق و فرهنگ جامعه خواهد داشت.

تفاوت توسعه و پیشرفت ایرانی - اسلامی و تأثیر آن بر اخلاق و فرهنگ جامعه

آن‌چه در این نوشته برای ما اهمیت دارد، شفاف‌سازی تفاوت نظریه‌های توسعه با الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است. هر یک از گرایش‌های توسعه، با تمام جزئیات و مبانی محتوایی آن، می‌تواند ارزش‌های خاصی را در جامعه گسترش دهد که در بسیاری از موارد فاصله بسیار زیادی با یکدیگر دارند. الگوی پیشرفت در مقام تعریف، مفهومی نو به نام توسعه الهی برپایه دین است که در برابر الگوی غربی توسعه قرار می‌گیرد. «در غرب، جامعه توسعه‌یافته را جامعه‌ای می‌دانند که اصول لیبرال‌دموکراسی را که به مثابه پایان تاریخ تلقی می‌شده، به صورت کامل پذیرفته و اجرا کرده باشد، [اما] جامعه آرمانی و تکامل یافته اسلامی، اجتماع امتی است که در آن معارف اسلامی تحقق عینی یافته است.»^{۳۶}

امروزه بر همگان آشکار شده که توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدون بررسی دقیق مبانی ارزشی آن‌ها در درازمدت اثرات ویرانگری به بار آورده است. پیشرفت باید با توجه به شرایط محیطی و بومی هر کشور و بر اساس مبانی و نظام ارزشی مطلوب برنامه‌ریزی شود، وگرنه هیچ ارمغانی نخواهد داشت. «کم‌توجهی به بعد فرهنگی توسعه و اتکا به الگوهای وارداتی، خلاقیت و ابتکار و نوآوری فرهنگ ملی را از رشد بازمی‌دارد و ظرفیت جامعه را برای مقابله با فرهنگ و الگوهای ناخواسته خارجی زیاد می‌کند و موجب شکاف و تعارض بین ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌شود. عرصه فرهنگ عرصه‌ای به پیچیدگی خود انسان [است] که احوال کنونی عالم آن را پیچیده‌تر کرده



۱۹. توهّم عقلانیت محض و بی‌توجهی به نصایح دلسوزان و دانشمندان داخلی، مانند بی‌توجهی در نوشتن متن برجام، با وجود تذکرات دلسوزان داخلی که امروزه به معضلی تبدیل شده است (مثل راه حل ماشه که در صورت اعتراض ایران و ناکامی در کسب نظر اکثریت آراء، تحریم‌ها به صورت خودکار بازگردانده می‌شوند؛ معضلی که غرب بر اساس آن تحریم‌های جدیدی وضع کرده است، ولی ایران نمی‌تواند اعتراضی جدی مطرح نماید و از حقوق خود دفاع کند)؛

۲۰. عمل‌گرایی محض در سیاست و فرهنگ و توجه نکردن به مبانی دقیق و علمی اسلامی - ایرانی، مانند بیدار کردن گسل‌های قومیتی و مذهبی برای جذب رأی در انتخابات اخیر یا تلاش برای کسب نظر حداکثری سلبریتی‌های متأثر از فرهنگ منحط غربی، بدون توجه به وضعیت فکری و فرهنگی آن‌ها و خشنودی از گفتارهای تحقیرکننده بازیگران و فوتبالیست‌های غربزده در ایام انتخابات؛

۲۱. ترجیح الگوهای غربی بر الگوها و نظریه‌های بومی ایرانی - اسلامی و خودباختگی در برابر غرب، مانند در نظر نگرفتن مبانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در تدوین کلیات برنامه ششم؛

۲۲. غلبه نگاه‌های توسعه‌محور غالباً قدیمی و تاریخ گذشته غربی، در برابر دیدگاه‌های جدید مبتنی بر شرایط داخلی، مانند تلاش برای حل معضل تورمی کشور با ایجاد رکود بی‌سابقه و کمرشکن در اقتصاد کشور که الگویی شکست خورده متعلق به سال‌ها پیش در غرب است؛

۲۳. تنوع‌طلبی سیری‌ناپذیر و تحسین هر امر متجددی در برابر سنت، بدون داوری منطقی و عقلانی، مثل تحسین سند ۲۰۳۰ توسط برخی

تذکر داده‌اند؛

۷. نپذیرفتن تخصص نیروهای داخلی در برابر بیگانگان و اعتقاد نداشتن به الگوهای درون‌زا، مانند پیشنهاد وارد کردن مدیران صنعتی توسط وزیر صنعت و نیز تحمیل هزینه‌های گزاف به بیت‌المال مسلمین برای واردات مربیان ورزشی خارجی بدون ثمره قابل توجه عینی؛

۸. تکیه بر امکانات و محاسبات مادی صرف، به جای محوریت توکل بر خدا و تکیه بر قدرت فرامادی، از جمله تلاش برای کسب نظر آمریکا به عنوان کدخدا برای حل مشکلات اقتصادی؛

۹. محوریت امور دنیوی و توسعه مادی به جای توجه به توحید و روحیه معنویت‌گرا؛ مسأله‌ای محوری که رهبری در نشست نخست راهبردی الگوی پیشرفت تذکر دادند اما هنوز سندی دال بر برنامه‌ریزی بر این اساس منتشر نشده است؛

۱۰. اصالت سود و منافع شخصی، گروهی و حزبی بر منافع جامعه و نظام، به دلیل تذکر اخیر رهبر انقلاب به کارگزاران نظام، مبنی بر اولویت منافع ملی بر هر گونه منافع فردی و حزبی؛

۱۱. اصالت لذت و تن‌پروری به جای توجه به فعالیت و کار مداوم در راستای اهداف عالی انسانی و اسلامی، مانند ساعت کاری برخی از افراد در نهاد ریاست جمهوری و برخی وزارتخانه‌ها؛

۱۲. نگاه اومانستی و انسان - خداانگارانه به جای نگاه خلیفه‌اللهی به انسان؛ نگاهی که رهبری در نخستین نشست راهبردی الگوی پیشرفت تذکر دادند اما هنوز سندی دال بر برنامه‌ریزی بر این اساس منتشر نشده است؛

۱۳. گسترش فاصله طبقاتی در جامعه و تفاخر ثروتمندان و اغنیا بر مستضعفان و فقرا، همچون افزایش ضریب فاصله طبقاتی ضریب جینی) در این دولت؛

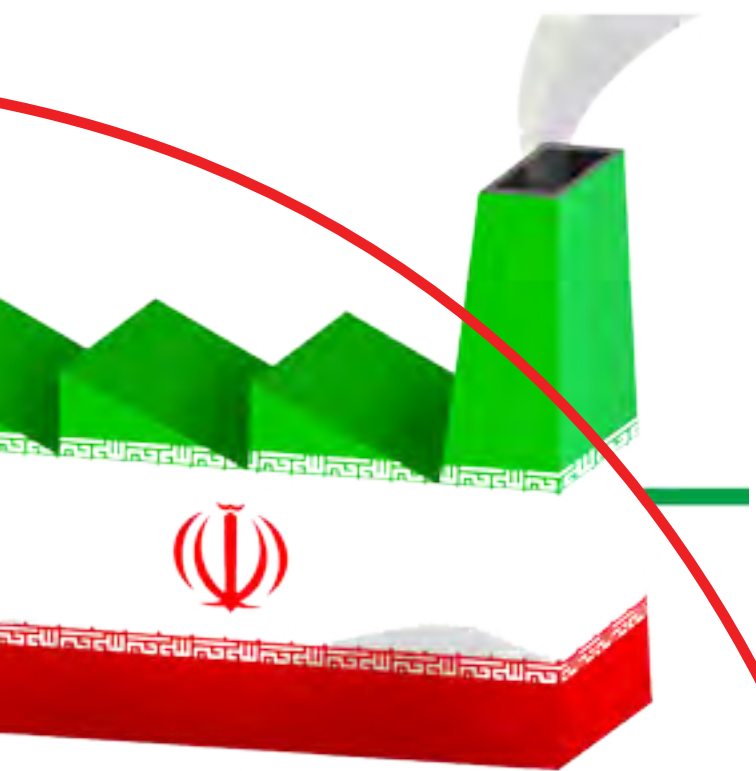
۱۴. گسترش سکولاریسم در همه سیستم‌های جامعه و تصور ناتوانی دین در اداره جامعه، مانند تلاش برای اجرای سند ۲۰۳۰ با وجود اسناد بالادستی داخلی و مبانی قرآنی و دینی مهم در امر آموزش و پرورش؛

۱۵. قبول آزادی اباحه‌گرایی انسانی و پایبندی به قواعد لیبرالیسم که با اصول بندگی و مسؤولیت انسان و عبودیت او منافات دارد؛ مانند موضع‌گیری‌های فراوان دولتی‌ها دال بر اهمیت آزادی افراد حتی در شبکه‌های مجازی تحت نظر سرویس‌های اطلاعاتی بیگانگان که موجب انحراف بخش عظیمی از مردم و جوانان در حوزه‌های اخلاقی، جنسی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی شده است؛

۱۶. محدود کردن دین به امور فردی و قائل شدن به عدم دخالت دین در اداره حکومت و هدایت عمومی مردم به بهانه آزادی‌های اباحه‌گرا و بی‌قید لیبرال، مانند این جمله که «حکومت نباید به زور مردم را به بهشت ببرد»؛

۱۷. اطمینان به غرب‌گرایان و متخصصان بدون توجه به تعهدات دینی و ملی ایشان، که موجب نفوذ راحت جاسوسان متعدد دستگیر شده در نهادهای دولتی و حتی در تیم مذاکرات هسته‌ای و وزارت خارجه و... گردیده است؛

۱۸. سرکوب غیرقابل باور منتقدان و دلسوزان داخلی به بهانه دفاع از آزادی بیان و اصول انسانی مورد پذیرش غرب، مانند نقدهای تیز و تند دولتی‌ها بخصوص شخص رئیس‌جمهور درباره منتقدان برجام، از جمله توهین‌هایی همچون: بی‌شعور، بی‌سواد، تازه به دوران رسیده، برو به جهنم، بی‌شناسنامه و... به منتقدان؛





مزاحم فعالیت‌های توسعه‌گرایانه ایشان، مانند راه‌نیداختن کامل و مؤثر شبکه ملی اطلاعات که با گالیه‌های رهبری نیز رویه‌رو شده و نیز تحویل‌ندادن بموقع برنامه ششم توسعه به مجلس شورای اسلامی و ابلاغ نکردن قانون برنامه ششم توسعه به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های زیردست در موعد مقرر؛

۲۹. علاقه به غبارآلود کردن فضای جامعه با تهمت و افترا به رقبا و حتی به نظام با هدف گم‌شدن مسائل اصلی و انحراف اذهان مردم، مانند بیان این نکته در زمان انتخابات که عده‌ای در نظام، ۳۸ سال کاری به جز اعدام نداشته‌اند! یا در اولویت قرار دادن پخش صدای یک خواننده از تلویزیون با وجود انبوه مشکلات مردم، یا طرح بحث رفع حصر در مجامع عمومی، یا در اولویت اول کشور قراردادن به هم خوردن مجلس سخنرانی یک فرد خاص و تحریک‌گر و ایجاد التهاب در فضای سیاسی یا تحریک گسل‌های قومیتی و مذهبی برای جذب رای و حمله به نهادهای انقلابی دلسوز مثل سپاه پاسدارن؛

۳۰. ترویج برداشت‌های سطحی و نادرست از سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و تأویل آیات قرآن به دلخواه، مثل درس مذاکره از قیام امام حسین (علیه‌السلام) و مثل گره زدن مشروعیت ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) به انتخاب مردم!؛

۳۱. فروختن ارزان کشور به غربی‌ها و خودباختگی در مقابل ایشان حتی در برابر شرکت‌های صهیونیستی و نیمه‌ورشکسته آنان، مانند قراردادهای جدید با شرکت‌های صهیونیستی خودروسازی مثل پژو و نفتی چون توتال و رؤیال داج شل و ... و واگذاری پنجاه درصد شرکت‌های مهم

دولتی‌ها بدون توجه به نقایص و ضررهای شدید آن و حتی بدون مطالعه جدی و مبنایی آن؛

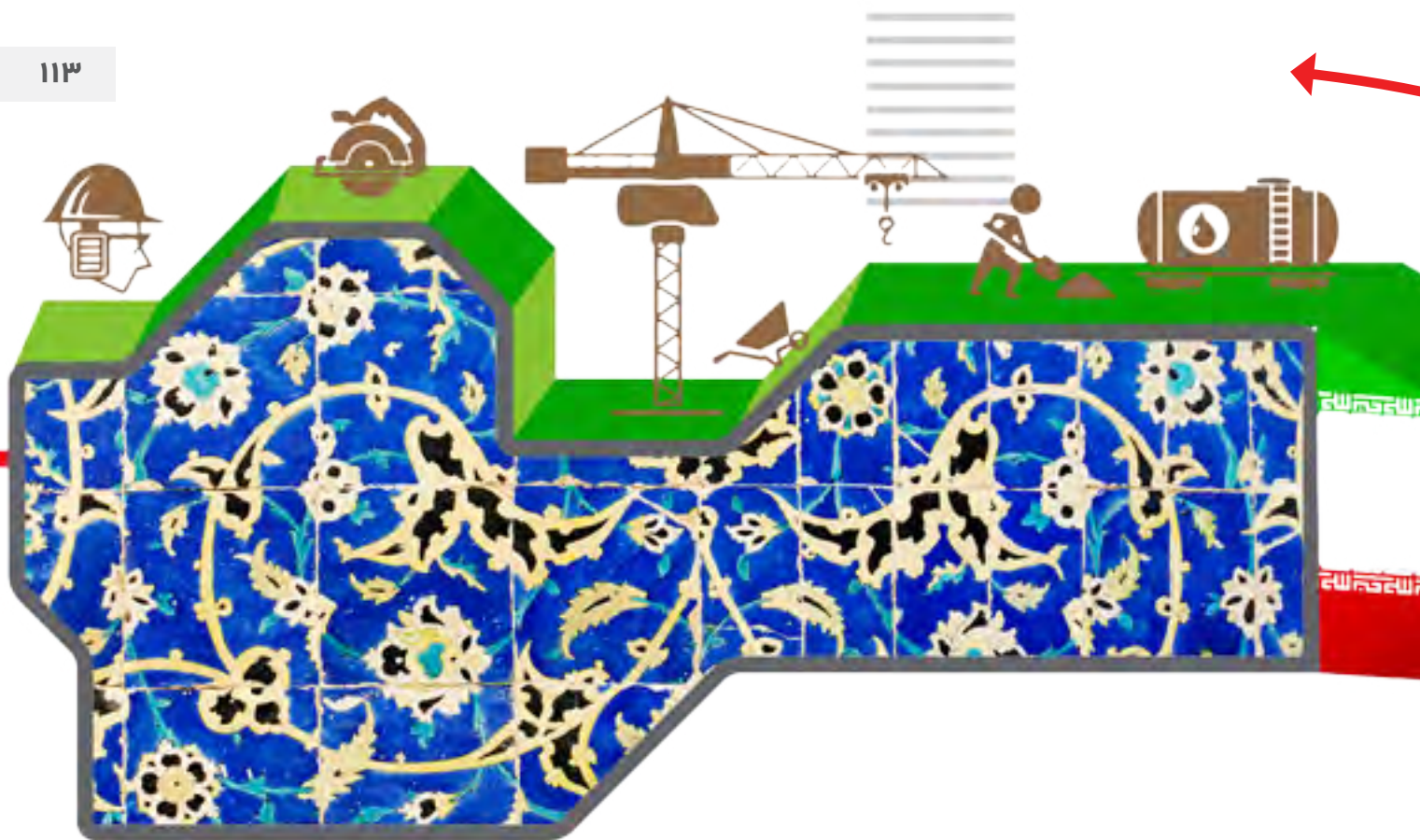
۲۴. خود برتری‌بینی در تفکر و تعقل و دانش نسبت به عامه مردم و نخبگانی که با غربی‌ها هم‌سو نیستند، مانند تشکیل «مجمع عقلا» در زمان جنگ تحمیلی توسط برخی دولتی‌های کنونی برای آتش‌بس زود هنگام در اوایل جنگ که امام خمینی (ره) با ناراحتی دستور تعطیلی آن را دادند؛^{۳۳}

۲۵. شتاب‌زدگی در قبول الگوهای غربی بدون تأمل و در نظر گرفتن شرایط خاص کشور، مانند قبول بی‌چون و چرای سند ۲۰۳۰ یا سند تغییرات آب و هوایی پاریس توسط دولت برای اجرا و مثل تأثیراتی که مکتب نیورانی‌ها در اقتصاد در دولت یازدهم داشته‌اند؛

۲۶. عدم پویایی و حرکت جهادی جریان توسعه‌گرا و غرب‌گرا در ایران، مانند ارائه پیشنهاد برای غربی شدن در زمینه‌های مختلف از جمله واردات مدیر صنعتی و تذکرات رهبری به کارگزاران در بسط حرکت جهادی؛

۲۷. پاسخگو نبودن به مردم و نمایندگان ایشان در برابر خواسته‌های منطقی و قانونی ایشان، مثل به سرانجام نرساندن مسکن مهر در طول دولت یازدهم یا عدم پاسخگویی صریح مسؤولان درباره اموال مردم در مؤسسات مالی و اعتباری مشکل‌دار، یا پاسخگو نبودن و بداخلاقی وزرا نسبت به خبرنگاران در پاسخ به پرسش ایشان درباره مطالبات مردمی یا پاسخگو نبودن وزارت خارجه در برابر درخواست‌های مردم و دلسوزان و مجلس درباره برجام؛

۲۸. فرار از قید و بندهای قانونی مخالف با خواسته‌های غرب‌گرایان و





توزیع اولین سبد یارانه و ایجاد صحنه‌های رقت‌انگیز، یا مانند اظهار نظر مشاور رئیس‌جمهور درباره این که راننده تاکسی‌ها نباید در امور سیاسی اظهار نظر کنند یا همچون اظهار نظر معاون رئیس‌جمهور که برای حل معضل کارت‌تون‌خوابی که می‌توان کارت‌تون‌خواب‌ها را عقیم کرد(۱)؛ ۴۰. کاهش اهمیت ارزش‌های اخلاقی اسلامی و رشد استکبار فردی، مانند بداخلاقی وزرا با خبرنگاران، از جمله: برخورد زشت وزیر راه و شهرسازی با خبرنگار زن باشگاه خبرنگاران، برخورد زشت و نامحترمانه وزیر بهداشت در برنامه تریا و در برابر خبرنگار روزنامه قدس و...؛ ۴۱. محدودیت معرفت‌شناسی به مادیات و غفلت از خلقت عظیم الاهی و عوالم دیگر جهان، مانند مسؤلیت‌ناپذیری در برابر گمراهی مردم در فضای مجازی و عدم اقدام عملی برای پیشگیری از آن و مذاکره با مدیران صهیونیست شبکه‌های اجتماعی آمریکایی و انگلیسی بدون توجه به بدعهدی‌های چندباره آنان و اختصاص ندادن بودجه و پهنای باند کافی به شبکه‌های اجتماعی تولیدی داخلی و...

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اثبات شد، الگوهای توسعه رایج، نمی‌توانند فرهنگ، اخلاق، معنویت و ارزش‌های انسانی و اسلامی را در کشور گسترش دهند بلکه موجب ایجاد صفات و رفتارهای اخلاقی منفی در کارگزاران حکومتی و برخی مردم نیز شده‌اند. امروزه مفهوم «اقتصادمحور توسعه» در حال تحول است و مقوله‌هایی مانند ارزش‌های متعالی، توسعه انسانی، عزت و کرامت انسانی و اجتماعی، توسعه بر محور ارزش‌ها، اصالت بخشیدن به عامل اخلاقی و حتی فرهنگ‌محور بودن تحولات اقتصادی، در متون و منابع توسعه راه یافته است.^{۳۵} همان‌گونه که امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا الگوهای توسعه، منطبق با اصول و ارزش‌های اساسی آن کشورها بازنویسی می‌شود. بایستی متوجه بود که الگوهای رایج بدون بومی‌سازی، در بهترین حالت می‌توانند موجب رشد اقتصادی جزئی و نامتوازن در کشور شوند اما در نهایت موجب تسلط بیش‌تر استعمارگران و برنامه‌ریزان صهیونیست بر امور شوند. به نظر صاحب‌نظران، این امر باعث شده اجرایی نشدن برنامه‌های صرفاً تقلیدی توسعه، بهتر از اجرا شدنشان باشد؛ بنابراین بهترین کار در این دوران، فعالیت مستمر نخبگان داخلی برای تبیین و اجرایی شدن الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر مبنای تعالیم اسلامی است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: زرشناس، شهریار، مبانی نظری غرب مدرن، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲. این کتاب از جمله آثار موجز اما بسیار عمیق و مفیدی است که در حوزه غرب‌شناسی برای مخاطب غیرغربی، بسیار سودمند است.
۲. باکا، رابرت، صورت‌بندی‌های فرهنگی جامعه مدرن (پنجمین کتاب از مجموعه فهم جامعه مدرن)، ترجمه: مهاجر، مهران، تهران: آگه، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۳۷.
۳. جهت مطالعه بیش‌تر ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، گردآورنده

ایرانی به آن‌ها (که مورد انتقاد نخبگانی چون دکتر توکلی و عبدالله شهبازی قرار گرفته‌اند)؛

۳۲. اعتماد نابجا به غرب و نگاه به خارج برای حل مشکلات کشور، حتی با وجود تجربه‌های تلخ ارتباط با غرب؛ نکته‌ای که رهبری نیز در ایم انتخابات برای همه کاندیداها لازم دانستند و فرمودند همه باید قول دهند برای حل مشکلات کشور به داخل نگاه کنند؛

۳۳. همه کاره دانستن غرب و مشروط کردن حل همه مشکلات حتی معضلات آب و هوا به ارتباط با غرب، مانند کدخدا دانستن آمریکا و کلید حل مشکلات را در رجوع به آن‌ها دانستن و البته تجربه تاریخی و حافظه مردم ایران و تجربه این چهار ساله ثابت کرد که لیبرالیسم آمریکایی، راه حل مشکلات ایران نبوده و نیست و نخواهد بود؛

۳۴. توجه شدید به سرمایه‌داران، حتی سرمایه‌داران رانت‌خوار در برابر فقرا و طبقه متوسط، با مقایسه حجم وام‌های بانکی در اختیار سرمایه‌داران قرار داده شده در برابر حجم وام‌های مردم عادی و بدهی‌های کلان کسانی که وام‌های کلان گرفته‌اند؛

۳۵. عدم تبعیت بی‌چون و چرا از ولایت فقیه که به صراحت مقبوله عمر بن حنظله، عدم تبعیت از خداوند محسوب می‌شود، به بهانه رأی مردم و نظر کارشناسان غرب‌زده و غیر مردمی؛ مانند مخالفت‌های صریح برخی مدیران کلان دولتی با ولی فقیه در موضوعات مختلف (مخالفت با بدبینی به آمریکا در مذاکرات، مخالفت در امکان علوم انسانی اسلامی، مخالفت در امر مسؤلیت دولت اسلامی و پلیس درباره دین مردم، دوقطبی کردن جامعه، بخصوص در انتخابات و نطق‌های پس از انتخابات، مخالفت در واکنش به سخنان ترامپ درباره پاره کردن برجام، مخالفت در رعایت نکردن نکات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در تدوین کلیات برنامه ششم، تمکین نکردن به نظر رهبری درباره قبول مشروط اجرای برجام که طبق آن وضع هر تحریمی به هر بهانه‌ای یعنی نقض برجام و ضرورت اقدام متناسب) و...؛

۳۶. اصالت دیدگاه اقتصادی با گرایش سرمایه‌دارانه نسبت به همه عرصه‌های زندگی از جمله معنویت، فرهنگ و آموزش؛ مانند رهاسازی عرصه فرهنگ بخصوص فرهنگ دینی و ارزشی مردم، انجام مذاکرات با آمریکا به بهانه رفع تحریم‌ها و گشایش اقتصادی و گره زدن تمام مشکلات به تحریم، مانند وعده حل مشکل آب در صورت رفع تحریم؛ ۳۷. تأکید بیش از اندازه بر ارتباط و تعامل با دنیا حتی تعامل با زورگویان و بدعهدانی که بارها از ایشان ضربه خورده‌ایم، مانند پیشنهاد انجام برجام‌های ۲ و ۳ و... که رهبری و مردم دلسوز در برابر آن واکنش نشان دادند؛

۳۸. تأکید بر مبانی «دین نوین جهانی» در برابر گسترش «معنویت راستین اسلامی»، مانند تأکید بیش از اندازه درباره محیط زیست در مقایسه با دیگر مسائل متالابه و تأکید بر «اسلام رحمانی»، به رغم مخالفت صریح رهبری و دلسوزان؛

۳۹. قائل نشدن کرامت و انسانیت برای مردم عادی و فقرا، مانند شیوه



احمدحسین شریفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره)، ۱۳۹۱، ص ۱۹ - ۲۳.

۴. مصباح یزدی، همان، ص ۱۴۰-۱۴۵ و ۳۲۸-۳۳۰.

۵. جهت مطالعه بیشتر تر.رک: آل احمد جلال، غربزدگی، قم: نشر خرم، ۱۳۸۵.

۶. صحیفه نور، ج(۲)، ص ۲۷۷. «پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات؛ منشور روحانیت»، تهران، ۳ اسفند ۱۳۶۷.

۷. موحدی، مسعود(۱۳۸۳). تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی - اسلامی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی، ص ۷.

۸. کرباسیان، قاسم، توسعه (Development)، www.pajoohe.ir، ۲۴ آبان ۱۳۹۳.

۹. فقه، سیدمرتضی، «مفهوم توسعه: مقایسه‌ای بین دیدگاه اسلام و ادبیات موجود توسعه»، در مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران؛ ج ۴: سیاست‌های فرهنگ و توسعه، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۱۰. جهت مطالعه بیشتر تر.رک: آوینی، سیدمرتضی، توسعه و مبانی تمدن غرب: پیشرفت اقتصادی یا تکامل فرهنگی، تهران: واحد، ۱۳۹۵.

۱۱. فاطمیان، حسین، «درباره تعریف توسعه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی (۱۳۷۱) شماره ۶۳ و ۶۴، ص ۱۰۰-۱۰۳.

۱۲. کتابی به نام «گذار از جامعه سنتی»، اثر دانیل لرنر از کتب مشهور در زمینه توسعه در دوره نوسازی بوده است.

۱۳. جهت کسب اطلاعات بیشتر رک: Baeck, louis, shifts in concepts and goals of development, in UNESCO, goals of development, Paris, UNESCO, ۱۹۸۸, PP ۳۷-۵۳.

۱۴. جوان‌پور، عزیز و عباسی، مهدی، «درآمدی بر بازشناسی ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، منتشر شده در سایت دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات. <http://srbiau.ac.ir/fa>

۱۵. برای مثال فلانگ ۹ دسته اقتصاد توسعه را بر می‌شمرد. Flammang, Robert A., (۱۹۷۹). "Economic Growth and Economic Development Counterparts or Competitors?", Economic Development and Cultural change, ۲۸ (۱):۴۸,۴۹. «مفهوم توسعه: مقایسه‌ای بین دیدگاه اسلام و ادبیات موجود توسعه»، در مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران؛ جلد چهارم: سیاست‌های فرهنگ و توسعه، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰.

۱۶. حدادی، مجتبی، «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، روزنامه رسالت، تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فصلنامه تخصصی، ۳ بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۴. «توسعه پایدار»، ماهنامه تدبیر، سال چهاردهم، شماره ۱۳۴، ۲۰۰۳ میلادی.

۱۸. در این مجال فرصت نقد دقیق توسعه پایدار نیست، اما به طور خلاصه آیت الله سیدمهدی میرباقری می‌فرماید: «تمام برنامه‌ریزی غرب برای زندگی بشر که از آن در پیشرفته‌ترین شکل به توسعه پایدار تعبیر می‌کنند، تماش دعوت به دنیا و دعوت به شرک و بت‌پرستی است و چیزی غیر از این نیست؛ آن‌ها دنیا را در نظر مردم بزرگ می‌کنند در حالی که انبیا آمده‌اند تا خدا را در دل‌ها بزرگ کنند، غیر خدا کوچک شود و مردم موحد شوند، غیر خدا را نبینند» (<http://mirbaqeri.ir>): جلسه ششم شب‌های ماه رمضان حرم رضوی / ریشه شرک در ولایت اولیاء طاغوت و رسیدن با توحید با ولی الهی، ۱۳ خرداد ۱۳۹۶).

۱۹. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها با رهبر انقلاب، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۳۶۹۲۳>

۲۰. جهت مطالعه بیشتر تر.رک: لهسایی‌زاده، عبدالعلی جامعه‌شناسی توسعه، تهران:

انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۷ و چیلکوت، رونالد، نظریه‌های سیاست‌های مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی، ۱۳۷۸.

۲۱. زائری، قاسم، «بررسی چگونگی تحول جایگاه مردم در گفتمان مسلط منورالفرکان ایرانی از دولت مشروطه تا حکومت رضاخان»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۳، شماره دو، (صص ۳۷۵ - ۴۰۴)، زمستان ۱۳۹۵، ص ۳۹۸. همچنین جهت مطالعه بیشتر تر.رک: آل احمد، جلال، غربزدگی، قم: نشر خرم، ۱۳۸۵.

۲۲. ابادزی، یوسف و پرنیان، حمیدرضا، «استقرار آموزشی مکتب نیاوران تاریخچه ایجاد نهادهای دولتی آموزش مدیریت و اقتصاد بازار آزاد»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، (صص ۱۵۱ - ۱۷۶)، دوره ۲۲، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۱.

۲۳. جهت مطالعه بیشتر تر.رک: میرجلیلی، سید حسین، «ضروری بر اقتصاد کلاسیک و مکتب‌های آن»، فرهنگ، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۶۶ صص ۲۲۱-۲۹۹ و همچنین نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶.

۲۴. ابازری، همان، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۲۵. مثل دوگانه تورم - رکود که به گفته کارشناس اقتصاد دکتر حجت‌الله عبدالملکی نظریه‌های آمریکایی است که ۳۰ سال پیش منسوخ شده. <http://www.dana.ir/html/۶۴۸۴۱۶/news/> نکته‌ای که رهبری معظم در تاریخ ۸۳/۴/۱ در دیدار با اعضای هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی نسبت به آن تذکر داده بودند که برخی دنبال نظریات منسوخ شده غربی هستند - <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۳۶>

۲۶. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۶۶۴>

۲۷. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، همان.

۲۸. میرباقری، سیدمهدی، توسعه و تعالی؛ بحثی تحلیلی در باب نسبت دو مفهوم تعالی و توسعه، مجله سوره اندیشه، شماره چهارم (۵۲-۵۳)، مهر و آبان ۱۳۹۰، ص ۱۵۲-۱۵۸.

۲۹. حدادی، مجتبی، «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، روزنامه رسالت، شماره ۷۱۴۹، ۸۹/۹/۱۶، ص ۱۷.

۳۰. حمزه‌پور، علی. مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان، ۱۳۸۸، ص ۸۳.

۳۱. حمزه پور، همان، ص ۸۷.

۳۲. تحف العقول، ص ۲۰۸، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «صنغان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدوا فسدت امتی» هرگاه او دسته از امت من فاسد شوند همه فاسد می‌شوند و اگر صالح شوند در همه اثر گذاشته و همه صالح می‌شوند. سؤال کردند آن دو دسته کیانند؟ پیامبر فرمودند: «الفقهاء و الامراء»، دانشمندان و حاکمان (بخارا-الانوار، ج ۲، ص ۴۹)؛ همچنین در روایتی دیگر می‌خوانیم: «الناس علی دین ملوکهم» دین مردم بر طبق دین رهبران و حاکمان آنان است. (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۱). رهبر معظم انقلاب نیز درباره ملوک در جمله اخیر در دیدار خود با کارگزاران نظام در سال ۸۴ فرموده‌اند: «واقعاً «ناس علی دین ملوکهم». ملوک در اینجا به معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستی؛ الناس علی دین ماها» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۰۴>). جهت مطالعه بیشتر تر.رک: قرائتی، محسن، اصول عقاید (ج ۴)، امامت، تهران مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.

۳۳. اسناد همه مثال‌ها از اخبار موقر اخذ شده و در دفتر نشریه موجود است، اما به دلیل گستردگی مطالب، اسناد این بخش آورده نشده‌اند.

۳۴. درباره مجمع عقلا در کتاب «راز قطعات» نوشته کامران غضنفری، انتشارات کیهان توانید مطالب مهم تاریخی بیابید.

۱۳۹۱، ص ۱۹ - ۲۳.

۴. مصباح یزدی، همان، ص ۱۴۰-۱۴۵ و ۳۲۸-۳۳۰.

۵. جهت مطالعه بیشتر تر.رک: آل احمد جلال، غربزدگی، قم: نشر خرم، ۱۳۸۵.

۶. صحیفه نور، ج(۲)، ص ۲۷۷. «پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات؛ منشور روحانیت»، تهران، ۳ اسفند ۱۳۶۷.

۷. موحدی، مسعود(۱۳۸۳). تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی - اسلامی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی، ص ۷.

۸. کرباسیان، قاسم، توسعه (Development)، www.pajoohe.ir، ۲۴ آبان ۱۳۹۳.

۹. فقه، سیدمرتضی، «مفهوم توسعه: مقایسه‌ای بین دیدگاه اسلام و ادبیات موجود توسعه»، در مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران؛ ج ۴: سیاست‌های فرهنگ و توسعه، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۱۰. جهت مطالعه بیشتر تر.رک: آوینی، سیدمرتضی، توسعه و مبانی تمدن غرب: پیشرفت اقتصادی یا تکامل فرهنگی، تهران: واحد، ۱۳۹۵.

۱۱. فاطمیان، حسین، «درباره تعریف توسعه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی (۱۳۷۱) شماره ۶۳ و ۶۴، ص ۱۰۰-۱۰۳.

۱۲. کتابی به نام «گذار از جامعه سنتی»، اثر دانیل لرنر از کتب مشهور در زمینه توسعه در دوره نوسازی بوده است.

۱۳. جهت کسب اطلاعات بیشتر رک: Baeck, louis, shifts in concepts and goals of development, in UNESCO, goals of development, Paris, UNESCO, ۱۹۸۸, PP ۳۷-۵۳.

۱۴. جوان‌پور، عزیز و عباسی، مهدی، «درآمدی بر بازشناسی ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، منتشر شده در سایت دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات. <http://srbiau.ac.ir/fa>

۱۵. برای مثال فلانگ ۹ دسته اقتصاد توسعه را بر می‌شمرد. Flammang, Robert A., (۱۹۷۹). "Economic Growth and Economic Development Counterparts or Competitors?", Economic Development and Cultural change, ۲۸ (۱):۴۸,۴۹. «مفهوم توسعه: مقایسه‌ای بین دیدگاه اسلام و ادبیات موجود توسعه»، در مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران؛ جلد چهارم: سیاست‌های فرهنگ و توسعه، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰.

۱۶. حدادی، مجتبی، «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، روزنامه رسالت، تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فصلنامه تخصصی، ۳ بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۴. «توسعه پایدار»، ماهنامه تدبیر، سال چهاردهم، شماره ۱۳۴، ۲۰۰۳ میلادی.

۱۸. در این مجال فرصت نقد دقیق توسعه پایدار نیست، اما به طور خلاصه آیت الله سیدمهدی میرباقری می‌فرماید: «تمام برنامه‌ریزی غرب برای زندگی بشر که از آن در پیشرفته‌ترین شکل به توسعه پایدار تعبیر می‌کنند، تماش دعوت به دنیا و دعوت به شرک و بت‌پرستی است و چیزی غیر از این نیست؛ آن‌ها دنیا را در نظر مردم بزرگ می‌کنند در حالی که انبیا آمده‌اند تا خدا را در دل‌ها بزرگ کنند، غیر خدا کوچک شود و مردم موحد شوند، غیر خدا را نبینند» (<http://mirbaqeri.ir>): جلسه ششم شب‌های ماه رمضان حرم رضوی / ریشه شرک در ولایت اولیاء طاغوت و رسیدن با توحید با ولی الهی، ۱۳ خرداد ۱۳۹۶).

۱۹. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها با رهبر انقلاب، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۳۶۹۲۳>

۲۰. جهت مطالعه بیشتر تر.رک: لهسایی‌زاده، عبدالعلی جامعه‌شناسی توسعه، تهران: